

نقد و بررسی

اخوان المسلمین از آغاز تا امروز

سمیه صالح‌نیا

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه شهید بهشتی

ریچارد میشل، تاریخ جمعیت اخوان المسلمین، از آغاز تا امروز، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، جلد یکم (ص ۴۵۶) بهار ۱۳۸۶، جلد دوم (ص ۳۹۲) زمستان ۱۳۸۷.

آن، مروری بر این تجربه می‌تواند شناخت بهتری از مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشورهای عربی به دست دهد، به ویژه که تاسیس جمعیت اخوان المسلمین و تحولات بعدی آن - بدون تردید - در قلب هر گونه تحلیلی

کشور مصر از دیرباز یکی از مهمترین پایگاههای اسلام‌گرایی در خاورمیانه بوده و تحولات فکری و اجتماعی آن، همواره در سایر کشورهای منطقه بازتاب داشته است. با توجه به جایگاه اسلام‌گرایی در این کشور و فراز و نشیبهای

در این زمینه جای دارد. در واقع، این گروه زمانی به وجود آمد (۱۹۲۸) و فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی خود را گسترش بخشید که بسیاری در کشورهای عربی - اسلامی همچنان در شوک ناشی از بحران خلافت بودند و نویسندگان و متفکران مختلف می‌کوشیدند راه‌های جدید و کارآمد برای خروج از وضعیت بحرانی عرضه کنند؛ راه‌هایی که گاه هیچ‌سختی یا اشتراکی با دیگری نداشت. نکته اینجاست که تعداد قابل توجهی از اسلام‌گرایان کشورهای عربی از همان ابتدا یا به طور مستقیم از افکار و آثار رهبران اخوان اثر پذیرفته‌اند، یا در برابر آن موضع گرفته‌اند. به عنوان نمونه، می‌توان به گروههایی اشاره کرد که با همین نام به تدریج در دیگر کشورهای عربی تأسیس شد (اردن، کویت و...) و ضمن حفظ و پرورش ایده‌های اسلام‌گرایانه همان مثنی مسالمت‌جویانه اخوان المسلمین مصر را پی گرفتند، و یا برخی گروهها که با انشعاب از این جمعیت، رهبران آن را به سازشکاری متهم کردند.

شاید انشعاب جمعیت «سیدنا محمد» و یا تأسیس جهاد اسلامی مصر مشهورترین این موارد باشد، چنان‌که ایمن الظواهری انحراف اخوان از اهداف اولیه‌اش را اساساً به افکار و فعالیتهای حسن البنا نسبت می‌دهد و در عوض شخصیت و افکار سید قطب را می‌ستاید.

با توجه به اهمیت چنین موضوعی، که نکاتی به اختصار بیان شد، تاکنون چند جلد کتاب درباره اخوان المسلمین مصر چاپ شده است که هر یک - به طور خاص - گوشه‌ای از آثار فعالیتهای فکری و عملی این جمعیت را توضیح می‌دهد و تحلیل می‌کند. از جمله این آثار می‌توان به کتابهای «پیامبر و فرعون» (کپل)^(۱)، «اسلام در انقلاب، جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب» (دکمجیان)^(۲)، «اخوان المسلمین» (اسحاق موسی الحسینی)^(۳)، «اخوان المسلمین» (قرضاوی)^(۴)، «اخوان المسلمین» (آقایی و صفوی)^(۵)، «اخوان المسلمین مصر» (محمد و دیگران)^(۶) اشاره کرد که همگی نیز جای خود را در

جامعه علمی کشور باز کرده و مورد توجه و استناد است. با این حال، جایگاه برجسته این گروه در نقشه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مصر و نیز بازتاب افکار و فعالیتهای آن در خاورمیانه عربی چنان است که ترجمه کتابها و مقالات بیشتری را موجه می‌سازد، به ویژه آثاری که از منابع دست اول استفاده کرده‌اند و روایت دقیق تری از تاسیس اخوان و تحولات بعدی آن ارائه داده‌اند.

جدیدترین کتابی که به زبان فارسی درباره اخوان المسلمین مصر منتشر شده است، کتاب ریچارد میشل با نام **تاریخ جمعیت اخوان المسلمین، از آغاز تا امروز** است که از جمله آثار قدیمی و مورد توجه درباره این گروه محسوب می‌شود و به رغم جامعیت با تاخیری طولانی (حدود ۴۰ سال) به فارسی برگردانده شده است.^(۷) ترجمه این کتاب که در ۲ جلد تنظیم شده است، شامل ۳ مقدمه (مقدمه مترجم فارسی، مقدمه مولف، و مقدمه مترجم عربی)، ۱۰ فصل، گفتار پایانی و فهرستها و منابع - جمعا ۸۴۸ صفحه - می‌شود. پیش از

معرفی تفصیلی محتوای کتاب، باید گفت در خلال فصول دهگانه، میشل سه موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهد: تاریخچه جمعیت که بیشترین حجم را هم به خود اختصاص داده است، ساختار و تشکیلات، و ایدئولوژی اخوان المسلمین.

جلد یکم کتاب (شامل پنج فصل) حاوی مروری بر فعالیتهای اخوان المسلمین از زمان تاسیس (۱۹۲۸) تا اعلام انحلال و سرکوب توسط ناصر (۱۹۵۴) است.

در نخستین فصل با عنوان «حسن البنا و تاسیس جمعیت اخوان المسلمین» زندگی رهبر و بنیانگذار اخوان، بازخوانی می‌شود و ریشه‌های شکل‌گیری این جمعیت به تفصیل بیان می‌گردد. گسترش فعالیتهای، رابطه حسن البنا با نخبگان سیاسی و نظامی کشور و همچنین آثار جنگ جهانی دوم بر جامعه مصر از جمله مباحث فصل دوم است. نویسنده با بررسی این مباحث، در واقع، از قدرت‌گیری تدریجی جمعیت میان سالهای ۱۹۳۲-۳۹ سخن می‌گوید. از

نکات مهمی که در فصل دوم مورد اشاره قرار گرفته است، بروز نخستین انشعاب در اخوان المسلمین به سال ۱۹۳۹ است که سبب تاسیس جمعیت جوانان «سیدنا محمد» شد و دست کم بخشی از آن به واسطه اعتراض به نحوه رهبری حسن البنا بود.

فصل سوم، به فراز و فرودهای اخوان المسلمین میان سالهای ۱۹۴۵-۴۹ اشاره می‌کند و ذیل آن صف بندی سیاسی کشور در پرتو جنگ جهانی دوم، رابطه حسن البنا با دربار و اختلافات دامنه دار با حزب الوفد مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل به دومین انشعاب مهم از اخوان هم - که در سال ۱۹۴۷ صورت گرفت - تاکید شده است، زیرا در نهایت موجب قدرت گیری سازمان مخفی جمعیت (الجهاز السریه) شد و این امر مشکلاتی را پدید آورد که پیامدهایش تا مدتها بعد - حتی پس از مرگ حسن البنا - باقی ماند. موضوع ترور حسن البنا (۱۲ فوریه ۱۹۴۹) پایان بخش مباحث فصل سوم است، و تحولات پس از ترور در فصل چهارم، با

عنوان «سازماندهی جدید» توضیح داده شده است. نویسنده در فصل چهارم بحران جانشینی و رقابتهای موجود در این باره را با دقت بیان می‌کند؛ بحرانی که با تعیین حسن الهضیبی در سال ۱۹۵۱ فروکش کرد. رهبری هضیبی همزمان با آغاز تلاشها برای سازماندهی مجدد و تفوق بر مشکلات جمعیت بود و البته کوشش برای کنترل سازمان مخفی (الجهاز السریه) یکی از بزرگترین مشکلات به شمار می‌رفت.

آخرین فصل - از جلد یکم - به مرحله پایانی دوره مورد بررسی؛ یعنی کودتای جمعی از افسران ارتش در سال ۱۹۵۲ و رابطه اخوان با نخبگان جدید، توجه کرده است. چنان که می‌دانیم در یک سال نخست پس از کودتا همسویی آشکاری میان اخوان المسلمین و حکومت جدید به چشم می‌خورد، اما با بروز تدریجی اختلافات موانعی بر سر راه فعالیت‌های رهبران و فعالان اخوان ایجاد شد در سال ۱۹۵۳ رهبری هضیبی در داخل اخوان مورد چالش قرار گرفت و اتفاقاً حکومت کوشید از آن بهره

برداری کند، هرچند موفقیت آمیز نبود. در نهایت روابط با حکومت ناصر از ژانویه ۱۹۵۴ بحرانی شد و ابتدا به اعلام انحلال جمعیت توسط شورای وزیران و سپس سرکوب شدید (پس از ترور ناکام ناصر در اکتبر ۱۹۵۴) منجر گردید.

جلد دوم کتاب شامل فصلهای ۶ تا ۱۰ است. در فصلهای ۶ (سازمان و تشکیلات) و ۷ (آموزش و ارتباطات)، ساختار تشکیلاتی و روابط اجزای مختلف با یکدیگر به تفصیل توضیح داده شده است، همچنان که نشریات و آثار قلمی اخوان به همراه شعارها و نمادهایشان در دوره ۱۹۵۴-۱۹۲۸ معرفی گردیده است.

فصل هشتم تحت عنوان «مشکل و نمونه عالی» به یکی از مهمترین موضوعات در مورد اخوان المسلمین - و در نگاهی وسیع تر هر گروه اسلام گرا - پرداخته است. نویسنده در این فصل مشکلات زمانه را از دید اخوانیها برمی شمارد و چگونگی واکنش نظری آنان به این مشکلات و راه حلهای عملی شان برای برون رفت از این وضعیت را بیان

می‌کند. در واقع، در اینجا است که به درون اندیشه اخوان نقب زده می‌شود و تصویر آن از وضعیت زمانه و نقطه مطلوب (جامعه آرمانی) ترسیم می‌گردد. در فصلهای ۹ و ۱۰ که ادامه

مباحث فصل هشتم است، بر راه حل جایگزین اخوانیها و هدف نهایی شان که برپایی حکومت اسلامی است تمرکز شده است و در خلال آن موضوعاتی چون آزادیهای اساسی از دید اخوان، با رجوع به آثار و نوشته‌های رهبران جمعیت، بررسی شده است. ترکیب این سه فصل به روشنی نوع نگاه اخوان به متون و نصوص دینی، نحوه تفسیر منابع دینی برای پاسخگویی به نیازهای زمان و همچنین برداشت اخوانیها از تمدن غرب و ارزشهای آن را معرفی می‌کند.

گفتار پایانی کتاب، به جمع بندی مباحث طرح شده اختصاص دارد و نکاتی در زمینه رهبری، اقتدار سازمانی، نقش سیاسی جمعیت و عضوگیری اخوان آمده است. ارزیابی نهایی نویسنده از تاریخچه، سازماندهی و ایدئولوژی اخوان آن است که این جمعیت همچون

«جنبشی انتقالی و محافظه کار» - و نه دگماتیک و ارتجاعی - عمل کرده است، «جنبشی که نه تنها برای ارتباط حال با گذشته تلاش می‌نمود، بلکه از سوی دیگر می‌کوشید تا تعریف جدیدی از گذشته ارائه دهد که برای روزگار معاصر نیز گوارا و کارآمد باشد.» (ص ۳۵۵)

به تعبیری دیگر، جمع بندی اثر نشان می‌دهد که اخوان المسلمین مصر چگونه به عنوان یک جنبش نسبتاً محافظه کار، بدون برخورداری از اهداف مشخص و آشکاری برای تحول در سطح حکومت، شکل گرفته و بیشتر به برپایی انقلابی دینی از طریق اصلاحات اجتماعی تمایل داشته است. به همین دلیل فعالیتهای سیاسی و مخالفتهای آن با حکومتها نیز بعداً، تحت تاثیر شرایط و رویدادهای سیاسی و اجتماعی آن دوره، صورت گرفته است.

نقاط قوت

کتاب میشل از نقاط قوت زیادی برخوردار است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یکم. پژوهشهای گسترده نویسنده و نیز تسلط او به زبان عربی سبب شده است که یافته‌های وی، مستند و خواندنی باشد، به خصوص آنکه وی توانسته است با اکثر فعالان آن دوره مصاحبه کند. با توجه به همین امر انتظار می‌رود کتاب میشل بتواند جای خود را در میان علاقمندان به تاریخ سیاسی مصر و نیز تاریخ اسلام گرایان در منطقه به سرعت باز کند.

دوم. مقدمه مفصل دکتر محمد ابوالسعود (مترجم عربی کتاب) که بالغ بر ۶۰ صفحه می‌شود، حاوی نکات مهمی است که پاره‌ای از اشتباهات مولف را تصحیح و برخی از ابهامات پژوهش او را برطرف می‌کند. این نکات از آن جهت جلب نظر می‌کند که به یاد آوریم ابوالسعود روزگاری از اعضای برجسته اخوان بوده است.

سوم. برگردان فارسی اثر که توسط حجت الاسلام و المسلمین خسروشاهی صورت گرفته است، گیرا و روان است، به ویژه آنکه ایشان در این زمینه صاحب نظر و داری دیدگاهی تحلیلی است و

گیرد، به عنوان نمونه، بهره‌گیری از واژگان «فهارس» و «منابع و رموز» (جلد دوم) در ترجمه فارسی قابل توجه نیست.

چهارم. تاخیر در ترجمه کتاب موجب شده است ارزش و اهمیت این پژوهش کاهش یابد و برخی مباحث و یافته‌های نویسنده در پرتو اسناد و مدارک جدید کمرنگ شود، ضمن آنکه اخوان طی ۴۰ سال گذشته تحولات و تجربیات مهمی را از سر گذرانده است که کم اهمیت تر از تحولات و تجربیات پیش از آن نیست. از اینرو به رغم اهمیت پژوهش میشل، نیاز به منابعی که تحولات اخیر اخوان را - چه در حوزه نظر و چه در عرصه عمل - بررسی کند، همچنان احساس می‌شود.

نهایت اینکه تحلیل حاضر در چهارچوب دیدگاه عموماً شناخته شده‌ای قرار دارد که فعالیت گروههای اسلام‌گرا را واکنشی و پاسخی به روند مدرن شدن^۱ یا غربی شدن^۲ جوامع اسلامی تلقی می‌کند. این دیدگاه اگرچه

بخشی از آرای نقادانه خود را به صورت پاورقی آورده است.

نقاط ضعف

به رغم نقاط قوت یادشده، برخی نقطه ضعفها در کتاب وجود دارد که چندان شایسته به نظر نمی‌رسد:

یکم. با توجه به شهرت ناشر، غلطهای فراوان تایپی و گاه ویراستارانه نکته‌ای نیست که بتوان به سادگی از آن چشم پوشی کرد، به گونه‌ای که بازخوانی کتاب و اصلاح تایپی و کنترل ویرایش آن ضروری است.

دوم. چنان که گفتیم ترجمه فارسی کتاب، گیرا و روان است، اما واقعیت آن است که ترجمه از روی متن اصلی (انگلیسی) صورت نگرفته و یا با آن مقابله نشده است، بلکه ترجمه عربی ملاک عمل بوده است، همین امر می‌تواند نقطه ضعفی برای آن محسوب شود.

سوم. به نظر می‌رسد وفاداری به متن عربی سبب شده است در برخی موارد ترجمه فارسی نیز تحت تاثیر قرار

1. Modernization
2. Westernization

بهره‌ای از واقعیت دارد، چنان کلی نگر است که از درک سایر ابعاد این گونه فعالیتها در جوامع اسلامی باز می‌ماند، و البته می‌تواند برای بسیاری از دیگر واکنشهای منتقدانه و مخالفت جوینان - و نه لزوماً اسلامی - هم به کار رود.



یادداشتها:

۱. ژیل کپل، پیامبر و فرعون (جنبشهای نوین اسلامی در مصر)، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
۲. هریر دکمچیان، اسلام در انقلاب، جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
۳. اسحاق موسی الحسینی، اخوان المسلمین، بزرگترین جنبش اسلامی معاصر، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.
۴. یوسف القرضاوی، اخوان المسلمین: هفتاد سال دعوت، تربیت و جهاد، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۱.
۵. بهمن آقایی و خسرو صفوی، اخوان المسلمین، تهران: انتشارات رسام، ۱۳۶۵.
۶. ابراهیم محمد و دیگران، اخوان المسلمین مصر، ترجمه کارشناسان موسسه اندیشه سازان نور، تهران: اندیشه سازان نور، ۱۳۸۴.
۷. این کتاب در سال ۱۹۶۹ به زبان انگلیسی منتشر، و در سال ۱۹۹۳ تجدید چاپ شد.